

## ایلخانان و ضرورت‌های بازسازی بغداد

فاطمه السادات سیدقوامی<sup>۱</sup>

مصطفی ناصری راد<sup>۲</sup>

**چکیده:** بی تردید تهاجم مغول‌ها به بغداد از سوی هلاکو و به دستور خان بزرگ منگوقا آن در سال ۵۶۴ عق، موجب کشت و کشتار و ویرانی و تخریب بغداد شد. مؤلفان پژوهش حاضر، میان دوره‌هجمون مغول‌ها و عصر حکومت ایلخانان (۵۵۴-۷۳۶ ق) تفاوت قائل شده و با روش توصیفی تحلیلی با استاد به گزارش‌ها و داده‌های تاریخی و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای، هم‌اصلی خود را پاسخگویی به ابهام علل اهتمام ایلخانان به بازسازی و رونق تجاری شهر بغداد قرار داده‌اند تا این طرق به تحلیل انگیزه‌های ایلخانان در بازسازی بغداد و تأثیر ساخت سیاسی و نگرش طبقه حاکمه، اعم از ایلخانان و وزراء، بر ساختار اجتماعی و اقتصادی این شهر دست یابند. بر پایه یافته‌های این پژوهش، با وجود اهتمام ایلخانان بر عمران و آبادانی و رونق تجاری و اقتصادی بغداد، بنا بر علل و عوامل متعدد شکوفایی و پیشرفت در آن چندان رضایت‌بخش نبوده است.

**واژه‌های کلیدی:** بغداد، ایلخانان، نوسازی، رونق تجاری

۱ دانشجوی دکتری، تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد تاکستان sadat.ghavami25@gmail.com  
۲ استادیار گروه تاریخ و تمدن و ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان (نویسنده مسئول)  
Mostafanaserirad@gmail.com  
تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۲۰  
تاریخ تأیید: ۹۸/۰۲/۰۸

## Ilkhanan and Necessities of Reconstruction of Baghdad

Fatemeh Sadat Seyyed Ghavami<sup>1</sup>

Mostafa Naserirad<sup>2</sup>

**Abstract:** In the year 1258 AD, The Mongol invasions of Baghdad led by Hulegu was started due to Grand Khan's order, Möngke Khan and no doubt that these caused massacre and destruction. This paper has distinguished between the period of the Mongol invasion and the era of Ilkhan's rule (1256-1335). The descriptive-analytical method was used citing historical reports and data and based on desk studies to answer why Ilkhanan attempted to reconstruct Baghdad and to develop the trade of that city. Accordingly, Ilkan's causes and motives to reconstruction Baghdad and the effect of political structure, the attitude of the ruling class such as Ilkhanan and ministries on economic and social structures can be revealed analytically. According to the results, in spite of Ilkhanan efforts on development and prosperity of Baghdad and its trade and economic development, flourishing and progress has not been successful due to some factors.

**Keywords:** Baghdad, Ilkhanan, Reconstruction, Trade development.

---

1 PhD student of History and civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University Takestan Branch  
Sadat.ghavami25@gmail.com

2 Assistant professor, Department of History and civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University Takestan Branch (Corresponding, Author) mostafanaserirad@gmail.com

## مقدمه

چهل سال پس از حمله اولیه مغول‌ها به رهبری چنگیز خان (به ایران و قلمرو خوارزمشاهیان در ۱۶ عق، نواده او هلاکو پس از تخریب قلاع اسماعیلیه و فتح کامل ایران، موفق به فتح بغداد و براندازی خلافت عباسی در ۵۶ عق شد. وی که در سال ۵۴ عق فرمان ضبط بلاد غربی و تصرف سرزمین‌هایی از جیحون تا مصر را از جانب منگوقا آن دریافت کرده بود (الامین، ۱۴۱۴ق/۹۱۹۹۳م)، موفق شد طی فراز و فرودهایی حکومت خود را با لقب ایلخانی تأسیس کند. ایلخانان که تا ۷۳۶ق به مدت کمتر از یک سده بر ایران و عراق و بخش‌هایی از شام و آسیای صغیر حکومت کردند (همان، ۲۱۰) علاوه بر پایتخت‌ها و اردوهای ییلاقی و قشلاقی دیگر خود به مثابه مراکز تصمیم‌گیری، شهر بغداد را هم که بیش از پنج قرن مرکز خلافت عباسیان بوده است، به عنوان پایتخت در نظر گرفتند. صرف نظر از ویرانی و تخریب بغداد، اثر حاضر میان دوره هجوم و عصر حکومت مغول‌ها تفاوت قائل شده و هم‌اصلی را بر اهتمام ایلخانان به بازسازی و رونق تجارت در شهر بغداد قرار داده و به تحلیل علل و انگیزه‌های بازسازی آن توسط ایلخانان پرداخته است.

براساس مستندات تاریخی، غارت و تخریب بغداد پیش از تهاجم ویرانگر مغول‌ها نیز بارها به وقوع پیوسته بود. برای نمونه، می‌توان به ورود فالسان حریق و بدکاران و راهزنان و تعرض به مردم بغداد در ۱۹۵ق (یعقوبی، ۱۳۶۲: ۴۵۶/۲؛ طبری، ۱۳۶۴: ۱۳۶۴/۵۶۵۶) و یا قتل و غارت در بغداد در جریان ورود سلجوقیان به رهبری طغول به بغداد (ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۱۳۸۳/۳۴۳۵) و دهها نمونه دیگر اشاره کرد. آنچه که همواره بر وحامت اوضاع می‌افزود، شرایط جوی و یا نزاع مذاهب و یا شورش سپاهیان و عوامل دیگر بوده است که کم‌وپیش جزئیات آنها در تواریخ مسطور است. ابن جییر در اواخر خلافت عباسی، بغداد را دارالخلافة عباسی که بیشتر آثار آبادانی خود را از دست داده و جز نام پرآوازه آن چیزی برایش باقی نمانده، وصف می‌کند (ابن جییر، ۱۳۷۰: ۲۶۷)، اما فتح بغداد به دست مغولان مانند سرزمین‌های دیگر آنچنان خرابی و انحطاطی به بار آورد که نه قابل شرح است و نه قابل مقایسه با ویرانی‌های عصر خلفاً و تاخت و تازه‌ای غزها و بلایای طبیعی. به گزارش ابن فوطی که در ۵۶ عق. ساکن بغداد بود، مغولان بیشتر شهر را به آتش کشیدند و به ویرانهای تبدیل کردند. چهل روز مردان و زنان و کودکان را می‌کشتد (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۱۹۵). غیر از کودکانی که در گل و لای انداخته بودند یا در قنات‌ها و چاهها و سردارها از گرسنگی و ترس جان باخته بودند، از بوی بد اجساد و نوشیدن

آب آمیخته با مردارها، آنان که بازمانده بودند به وبا گرفتار شدند. به گفته‌وی، شمار کشتگان در بغداد هشتصدهزار تن بود (همان، ۱۹۶). نمی‌توان پذیرفت که این رقم قابل اطمینان باشد (خضبک، ۱۹۶۸: ۵۶)، اما ذکر چنین ارقامی در منابع مختلف (ابن کثیر، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م؛ ۷۲۱۳/۲۱۵) حاکی از کشتار وسیع مردم بغداد و کاهش جمعیت آن می‌باشد. همچنین فرار بقایای جمعیت و ترک بغداد که در گذشته از جمعیت موج می‌زد، نشان از کاهش چشمگیر جمعیت شهر بغداد به نوع دیگری دارد.

پژوهش حاضر با در نظر داشتن این نکته که پیامدهای هجوم مغول‌ها، مانند هرج و مرج ناشی از سقوط خلافت عباسی و حضور مغولان در بغداد و دستبه‌ندی‌های مذهبی، بر ماهیت، ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر بغداد تأثیر گذاشته، در صدد پاسخگویی به این سؤال است که چه ضرورت‌هایی ایلخانان را وا داشت تا بر بازسازی و عمران و آبادانی بغداد اهتمام ورزند؟ و چه علل و عواملی موجب شد تا شکوفایی و پیشرفت این شهر در عصر ایلخانان چندان رضایت‌بخش نباشد؟

به دلیل عدم تألف اثری مستقل با عنوان یاد شده «ایلخانان و ضرورت‌های بازسازی بغداد» در منابع متقدم و متأخر، در مقاله حاضر از آثار ارزشمند و گزارش‌های تاریخی رشیدالدین فضل‌الله همدانی، علاءالدین عظاملک جوینی و وصاف‌الحضره که هر سه در خدمت ایلخانان بوده‌اند، بهره بسیار برده است. اثر جوینی که در ۵۸ عق تألف شده، حاوی اطلاعات موثقی درباره مسائل مربوط به ساختار اقتصاد شهری است. وی نگاه مثبت مغولان به تجارت و صناعت و اقدامات آنها در جهت آبادانی شهرها را به خوبی گزارش کرده است. از آنجا که وی پس از سقوط بغداد به حکومت آنجا منصوب شد، به طور قطع این کتاب منع ارزشمندی جهت استناد می‌باشد. رشیدالدین فضل‌الله نیز در گزارش برخی وقایع از مطالب جوینی بهره گرفته، اما صدارت و نقش او در اصلاحات غازانی، اثر او را منحصر به فرد ساخته، و وصاف‌الحضره که از زیرستان رشیدالدین بوده، در بیان تاریخ عهد ایلخانی دنباله جهانگشای جوینی محسوب می‌شود و در بیان اطلاعات اقتصادی گزارش‌های دقیق‌تری از رشیدالدین ارائه می‌دهد. به دلیل نثر متنکف و صاف، ناگزیر در این مقاله به تحریر تاریخ و صاف به قلم عبدالمحمد آیتی بارها استناد شده است. اثر مهم دیگری که درباره اداره شهر بغداد و مقامات و مناصب و طبقه‌بندی اجتماعی و تأثیر بلایای طبیعی بر روند حیات اجتماعی و اقتصادی شهر بغداد گزارش‌های مفصلی ارائه می‌دهد، کتاب حوادث الجامعه اثر

ابن‌فوطی است. در میان آثار معاصر نیز از تاریخ مغول اثر اشپولر و عباس اقبال آشتیانی و شهر، سیاست و اقتصاد سید ابوالفضل رضوی و همچنین کتاب *العراق فی عهد المغول الایلخانیین* نوشته حضرت حسین خضباک بهره گرفته شده است.

## ۱. اهتمام ایلخانان بر رونق و پیشرفت در بغداد

بنابر آنچه که گفته شد، می‌توان تاریخ اجتماعی-اقتصادی بغداد طی استیلای مغول را به ادواری متمايز ساخت. مشخصه دوره اول، زوال و انحطاط عظیم اقتصادی بغداد به دلیل ویرانی‌های حاصل از لشکرکشی هلاکو است (شُّر، ۱۴۳۲/۱۱: ۵۷۳). مشخصه ادوار بعد، پیشرفت در حوزه اجتماعی، اقتصادی و کشاورزی به دلیل اهتمام ایلخانان بر رونق بغداد همراه با مبارزه قدرت، تداوم ویرانی‌ها، رکود تجاری و اقتصادی بغداد در عصر ایلخانی است و این در حالی است که همهٔ مورخان و سفرنامه‌نویسان متفق‌قول‌اند که مدینة‌السلام (بغداد) در آستانه حملهٔ مغول و در عهد خلفاً شهری آباد، ثروتمند و باشکوه بوده است (المدور، ۲۱-۲۸: ۱۴۲۳/۰۳: ۲۰۰۳). علاوه بر عمران و آبادی فراوان و آب‌وهواجی بی‌نظیر (یعقوبی، ۲۵۳۶: ۵)، در بغداد شبکه‌ای از نهرها وجود داشت که در کشاورزی از آنها استفاده می‌شد (یاقوت حموی، ۱۳۸۰/۲: ۵۸۶). پادشاهان جهان آرزوی چنان تختگاهی را داشته‌اند (ابن‌طقطقی، ۱۳۶۰: ۲۲۱). از ابتدای بنای بغداد توسط منصور در قرن دوم قمری/ هشتم میلادی (یعقوبی، ۶-۹: ۲۵۳۶)، اهتمام وی بر عمران و آبادانی بغداد به عنوان مرکز خلافت در کتب معتبر تاریخی به تفصیل بیان شده است. احداث چهار دروازه باشکوه (همان، ۱۰)، آبادانی و احداث عمارت‌های بسیار در جانب غربی بغداد (کرخ) توسط او (ابن‌طقطقی، ۱۳۶۰: ۲۲۱)، توسعهٔ بغداد به جانب شرقی توسط مهدی و ارتباط کرخ و رصافه به وسیلهٔ یازده پل، سنگفرش بغداد، مساجد، بربازن‌ها، بازارها با هزینه‌های بسیار (ابن‌اثیر، ۱۳۸۰: ۱/۸: ۳۴۶؛ بلاذری، ۱۳۶۴: ۵۵) و توسعهٔ بغداد توسط هارون که به گفتهٔ مستوفی «شهر را به مرتبه‌ای رسانید که طولش چهار فرسنگ و عرض یک فرسنگ و نیم عمارت و احواش بود» (مستوفی، ۱۳۶۴: ۳۳). دولت‌هایی از اطراف مانند آل بویه، سلجوقیان و دولت خوارزمشاهی به قصد آنان سر برداشتند (ابن‌طقطقی، ۱۳۶۰: ۲۲۱)، اما گزارش‌های تاریخی نشان دهندهٔ عمران بغداد توسط امیرالامرایان (آل بویه) (مستوفی، ۱۳۶۴: ۳۴۶؛ ابن‌عبری، ۱۳۶۴: ۲۲۸؛ میرخوند، ۱۳۷۳: ۶۱۸)، احداث بیمارستان و مسجد و ترمیم شکستگی پل‌های رود رفیل و بادروریا (مسکویه رازی، ۱۳۷۶: ۲۱۰/۶، ۲۱۱، ۲۲۱، ۳۲۸، ۳۲۹) و همچنین تلاش خلفای عباسی دیگر (تمیمی،

۳۰۲: ۲۰۱۵/۱۴۳۶ مانند خلیفه الناصر لدین‌الله (۵۷۵-۶۲۳ق) در اعتلای بغداد (همدانی، ۱۳۷۳: ۴۹۹/۱) است. براساس این گزارش‌ها و نیز گزارش میرخوند که «در زمان المستعصم (۶۵۶-۶۴۰ق) شهر بغداد به نهایت آبادانی رسیده بود و اسباب رفاه و تنعم از هر جهت فراهم بود و کثرت اموال و ذخایر خلیفه زبانزد خاص و عام بود» (میرخوند، ۱۳۷۳: ۸۹۱)، شکوه و عمران بغداد در مقایسه با گذشته، به خصوص دوران اقتدار خلفای عباسی ناچیز بوده و در صحبت گزارش ابن جییر که می‌گوید در اواخر خلافت عباسی، بغداد بیشتر آثار آبادانی خود را از دست داده است (ابن جییر، ۲۶۷: ۱۳۷۰)، تردیدی نمی‌ماند. البته لشکرکشی مغولان چنان انحطاط عظیمی به بار آورد که در مدت کوتاهی موجب سقوط نیروهای تولیدی و در عوض افزایش میزان اقطاعات نظامی و نفوذ سران نظامی چادرنشین در بغداد شد.

### ۱-۱. احداث و نوسازی بغداد

هرچند استیلای مغول در اوایل موجب ویرانی آبادی‌ها و خرابی عمارت‌ها و ابنيه شد، اما به تدریج پس از فروکش کردن موج فتوحات، آنها به منظور اداره ممالک مفتوحه، محکوم حکم آداب رعایای مغلوب خود شدند و مثل آنان به قبول اقامت در پایتخت و تأسیس ادارات و انتخاب وزرا و عمال دیوانی در گرد خود مجبور شدند (اقبال آشتیانی، ۱۳۷۶: ۵۶۴/۱)، به طور قطع به همین دلیل است که هلاکوخان فاتح مقتدر بغداد، پس از پیروزی در صدد مشروعیت بخشیدن به حکومت خویش برآمد و در صدد بود از علماء که آنها را در مدرسهٔ مستنصریه بغداد گرد آورده بود، برای حکومت خود فتوا بگیرد (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۱۹).

بعدها غازان خان (۶۹۴-۷۰۳ق) نیز در محافظت و دفع ظلم از رعایا پس از توبیخ امرای ظالم گفت: «من جانب رعیت تازیک نمی‌دارم و اگر مصلحت است تا همه را غارت کیم، بر این کار، از من قادرتر کسی نیست؛ به اتفاق بغارتیم، لیکن اگر من بعد تغار و آش توقع دارید و التماس نمایید، با شما خطاب عنیف کیم و باید که شما اندیشه کنید که چون بر رعایا زیادتی کنید و گاو و تخم ایشان و غله‌ها بخورانید، من بعد چه خواهید کرد؟» (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۴۴۲/۲) و خطاب به مردم گفت: «باید که رعیت ایل از یاغی پیدا باشد و رعایای ایل از او ایمن باشند» (همان، ۱۴۴۴) و بدین ترتیب به مردم چنین تفهیم کرد که اینک «دوران جهانداری» فرا رسیده است و اگر خیالات خام در سر نپورانند، بار دیگر شهرها را آباد خواهند یافت (الامین، ۱۴۱۴/۱۹۹۳-۳۳۷). هلاکوخان به منظور اینکه شهر بغداد هرچه زودتر حالت عادی خود را از سر گیرد (شیر، ۱۴۳۲/۲۰۱۱-۵۷۸)، در همان

روز قتل مستعصم (خصباق، ۱۹۶۸: ۶۶) فرمان داد تا بازارها را بگشایند، خیابان‌ها و میدان‌ها را از اجساد مردگان، چه انسان و چه چهارپا پاک کنند. شبکه‌های آبیاری، نهرها و آبادی‌های اطراف را که طی جنگ‌ها منحرف شده و یا از اجساد و آلات پر شده بود، ترمیم و لاپرواژی کردند (جوینی، ۱۳۸۲: ۲۹۲/۳). چون خان قصد خروج از بغداد را داشت، با رصد کامل رجال، توانمندترین افراد را جهت تقویض مناصب برگزید و از این پس بغداد و عراق تحت کنترل مدنی و مالی ایرانیان قرار گرفت؛ هرچند که آنها به‌طور اساسی تحت فرماندهی نظامی مغول بغداد بودند. یکی از ایرانیانی که در دولت بغداد شرکت داشت، ریاضی‌دان و فیلسوف مشهور خواجه نصیرالدین طوسی بود که ضمن بازدید از شهر و بررسی وضعیت سربازان و بردگان، بازرگانی و سازماندهی اوقاف، پرداخت حقوق ماهانه و حقوق بازنیستگی حقوق‌دانان، معلم‌ان و صوفیان، کتب اوافقی زیادی از کتاب‌های مربوط به رصدخانه را که در بغداد بود، به مراغه منتقل کرد (ابن‌کثیر، ۱۹۸۵/۱۴۰۵: ۲۲۸/۷). ایرانی دیگری که برای رفاه عراق و احیای بغداد سخت تلاش کرد، علاءالدین عطاملک جوینی بود که توسط هلاکو به حکومت بغداد منصوب شد. وی در زمان اندکی بغداد را که با کشته شدن مستعصم خراب و ویران شده بود، آبادان کرد و در زمین نجف نهری حفر کرده و از بابت آن صدهزار دینار سرخ هزینه کرده بود تا آب فرات را که آبی شیرین بود، به کوفه آورد و بدین واسطه وضع زراعت را سروسامانی داد (آیتی، ۱۳۸۳: ۴۲). خان مقام‌ها را بین بزرگان و سیاستمداران تقسیم کرد. «علاءالدین عمر قزوینی را با حفظ سمت نیابت شحنگی، نائب امیر بوقا کرد. او مسجد جامع خلیفه و مشهد موسی الجواد(ع) را که در اثر منازعات مذهبی ویران شده بود، ترمیم نمود» (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۰۱۹/۲). و ایلکای نویان و قراقوقا نویان، از فرماندهان بزرگ خود را با سه‌هزار سوار مغولی در بغداد گذاشت تا امور ترمیمی و آبادانی شهر را زیر نظر بگیرند و به کارها سامان دهند (همان، ۱۰۱۹).

بنا بر گزارش ابن‌فوطی، علاءالدین صاحب‌دیوان در ۶۵ عقیق بیرون بغداد قصری با استان بزرگ و نخل‌ها و درختان میوه بنا کرد (ابن‌فوطی، ۱۳۸۱: ۲۱۳) و در ۶۸ عقیق در پایین سد مدرسهٔ مستنصریه، دولابی ساخت که آب را از دجله می‌گرفت و به راه آبی می‌رسانید. سپس آب از زیر زمین جریان می‌یافت تا به برکه‌ای که در صحن مدرسه ساخته بود می‌ریخت (همان، ۲۱۸). در ۶۷۰ مnarه «جامع الخلیفه» را تجدید بنا کرد و در جایی به نام «المأمن» دیوانی و مسجدی و کاروان‌سرایی و حمامی و بازاری احداث کرد (همان، ۲۲۱). در ۶۷۱ ق

همسر عظاملک در مجاورت آرامگاه عییدالله، رباطی بنا کرد و مدرسه‌ای ساخت که به نام این بانو «عصمته» نامیده شد (همان، ۲۲۲). البته در زمان ایلخان اباقا (۶۶۳-۸۰۸ عق) بغداد و فارس به «سونجاق نویان» سپرده شد، اما همچنان عظاملک جوینی چون گذشته به نیابت وی حکومت عراق عرب را داشت (همدانی، ۱۳۷۳: ۲/۱۳۷۰-۱۳۷۵) و به منظور عمران بغداد نهرهایی را که به دلایل شرایط جوی و وقوع سیلاب ویران شده بود (رشیدوو، ۱۳۶۸: ۱۳۶۸-۲۱۹)، به جریان انداخت (ابن‌فوطی، ۱۳۸۱: ۲۴۴). به گزارش رشیدالدین، غازان خان نیز در طول حکومت خود، با اقدامات تشویقی همچون دادن بذر به کشاورزان، ایجاد کاریزها و قنوات و حمایت و نظارت بر سیستم آبیاری، کوشید تا حمایتی همه‌جانبه از کشاورزان به عمل آورد (همدانی، ۱۳۷۳: ۲/۱۳۷۵-۱۳۷۰). همچنین می‌گوید: «غازان خان اقدامات وسیعی را برای احیای شبکه‌های آبیاری انجام داد و نهرها و کاریزهای متعددی را جاری گردانید. از جمله این نهرها، دو نهر بزرگ در منطقه بین النهرين معروف به نهر غازانی اعلی و سفلی بود که آب را از رود فرات به کربلا می‌برد و باعث شد تا تمام حوالی این منطقه آباد و مزروع شود و باغ و بستان در اطراف آن پدید آید» (همان، ۱۳۷۱). بنا بر گفته رشیدوو، این که در زمان حکومت غازان خان تا پایان حکمرانی ایلخانان، جاری شدن هیچ سیلی گزارش نشده است، به روشنی بدان معناست که نظام آبراهه‌ها از آن به بعد مرتب شده و به کار افتداد بود (رشیدوو، ۱۳۶۸: ۲۴۶). ابن‌فوطی گزارش منحصر به فردی ارائه می‌دهد که در ۶۷۹ به فرمان جوینی و به همت استاد کاران بغدادی پلی متحرک ساختند و آن را (بازنگیرها و آلات) جهت نصب به شوستر برندند و در پایین بند نزد دروازه دزفول نصب کردند (ابن‌فوطی، ۱۳۸۱: ۱۹۷). همچنین «احداث بنای مشهد عبدالباهر که از اولاد امام حسن(ع) بود، با آجر و گچ و ضریح و تعیین دربان و خادم و امام جماعت و مؤذن برای آن» (همان، ۲۲۳) و دهها مورد دیگر اعم از احداث معابد بودایی، بتخانه‌ها، کلیساها و کنیسه‌ها و همچنین احداث و تعمیر خانقه‌ها مانند رباط مستنجد و رباط مرزا بنیه (همان، ۱۹۷) و خانقه غازان خان که در بغداد ساخته بود (بیانی، ۱۳۶۷: ۲/۶۷۰). وصف در شرح آبادانی بغداد در عصر ایلخانان می‌گوید: «در سال ۶۹۶ که راوی این روایت به آن دیار رسید، با آنکه از آبادانی آن عشري نمانده بود، باز از حیث کثرت عمارت‌ها و قصور و اماکن و ترتیب و زینت، نسبت به شهرهای بزرگ دیگر چون فردوس عدن می‌نمود» (وصاف الحضره، ۱۳۶۸: ۴/۳۳۴).

سیاحان و جهانگردانی نظریر ابن‌جییر و ابن‌بطوطه که قبل و بعد از استیلای مغول از بغداد

دیدن کرده‌اند، به ما خبر می‌دهند که: «بغداد به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌شود. آبادانی جانب شرقی جدید است و هرچند ویرانی بر این بخش نیز چیره شده، هنوز هفده محله دارد که هر محله شهری مستقل محسوب می‌شود و در هر محله دو یا سه گرمابه هست و هشت محله دارای مسجدهای جامع است که نماز جمعه در آنها برگزار می‌شود. بزرگ‌ترین محله قُریه است. محله دیگر کرخ است که خود شهری است با دیوار و بارو. آن‌گاه محله باب البصره ... و محله شارع ... بین شارع و دروازه بصره بازار و بیمارستان قرار دارد» (ابن جییر، ۱۳۷۰-۲۷۵). در همین مورد بازهم می‌خوانیم که: «در قسمت شرقی دجله بازارهای بسیار است که در آن بخش، سه مسجد جامع هست که در همه آنها نماز جمعه گزارند. شمار مساجد آدینه شهر بغداد، جمعاً یازده مسجد است. اما تعداد گرمابه‌های آن شهر به شمار درنگ‌بند. گویند دوهزار گرمابه که به علت فروتنی قیر در این منطقه بام بیشتر آنها را به قیر اندوهه‌اند» (همان، ۲۷۸-۲۷۹). در گزارش ابن‌بطوطه نیز علاوه بر آنچه که ابن جییر آورده، آمده است که: «مدرسه نظامیه بغداد که از حیث زیبایی بی‌نظیر است، در وسط بازار در قسمت شرقی قرار دارد و مدرسه مستنصریه از بنایهای المستنصر بالله در آخرین بازار واقع شده است. در داخل هر یک از مدارس یک وضوخانه و یک حمام برای طلّاب وجود دارد» (ابن‌بطوطه، ۱۳۷۰: ۲۷۵/۱).

## ۱-۲. توجه ایلخانان بر بهبود صنعت و هنر در بغداد

همان‌طور که اشاره شد، آبادانی و احیای دوباره بغداد از همان آغاز حکومت هلاکو آغاز شد و اقدامات عظام‌الملک در این شهر نقش مؤثری داشت. از ویژگی‌های قابل توجه عصر ایلخانان، بهبود نسبی در زمینه صنعت و هنر بهویژه صنایع و حرفری نظریه اسلحه‌سازی، خوشنویسی و صنعت نساجی بهویژه پارچه‌های زربفت بود که مورد توجه مغول‌ها بود. در جریان حملات چنگیز و هلاکو، بارها منابع از توجه چشمگیر مغول‌ها به صاحبان فنون و صنایع در راستای تأمین نیازهای معیشتی و تدارکات نظامی مغول‌ها گزارش کرده‌اند. در عصر استیلای سلسۀ ایلخانان، به‌طور قطع آهنگ رشد صنایع و تجارت در تمامی مراحل حکومت ایلخانان به یک حد و اندازه نبود و همه مناطق در این عرصه از شرایط یکسانی برخوردار نبودند. در این میان، بغداد در کنار ماهیت تجاری و مرکزیت سیاسی حکومت ایلخانی، در تقابل با ممالیک مصر و حضور عناصر کاردان در اداره این شهر، رشد صنعتی قابل ملاحظه‌ای داشته است. سید ابوالفضل

رضوی که به صورت جداگانه درباره رشد صنایع در عهد ایلخانان پژوهش کرده است، به نقل از مارکوبولو از اهمیت تجاری و صنعتی شهر بغداد می‌گوید: «تمام مرواریدهایی که از کشور هندوستان به سرزمین‌های مسیحیان صادر می‌شد، در بغداد آماده و پرداخته می‌شد و میان بغداد و خلیج فارس از طریق دجله ارتباط برقرار بود» (رضوی، ۱۳۸۸: ۱۹۳).

همان گونه که قبل از تهاجم مغولان نظارت بر کارگاه‌های تولیدی از سوی حکومت‌ها وجود داشت، هلاکو نیز از همان آغاز استقرار خود، در مورد فعالیت این کارگاه‌ها اهتمام ویژه‌ای به خرج داد. وی پس از فتح بغداد، در کتاب «علی بهادر» که او را به شحنگی «ارتاقان» (شریک، سهیم در بازار گانی) و «اوران» (صنعتگران و صاحبان حرف) نامزد کرد، فردی به نام «ابن دربوس» (درنوس؟) را نیز به سمت خازن کارخانه منصوب کرد (جوینی، ۱۳۸۲: ۲۹۲/۳). از این اقدام چنین برمی‌آید که یا هلاکو دستور به تأسیس کارخانه‌هایی در شهر بغداد داده و یا از زمان بنی عباس چنین کارخانه‌هایی وجود داشته و اکنون تحت نظر حکومت مغول درآمده است و همین طور آشکار می‌شود که در این دوره میان صنعتگرانی که در بازار و برای خود کار می‌کرده‌اند با آنهایی که در کارخانه‌های حکومتی مشغول بوده‌اند، تقاؤت بوده است. انتصاب علی بهادر در رأس امور ارتاقان و اوران و ابن دربوس به سمت خزانه‌داری کارخانه‌های بغداد، دلیل این موضوع است (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۶۵-۳۶۶). عباس اقبال نیز در کتاب تاریخ مغول بر نقش حکام مسلمان در توسعه صنعت در بغداد اشاره کرده و گفته است: «در عهد حکومت عظاملک جوینی کارخانجات بغداد به واسطه تشویق او اعتبار و شهرت یافت. یک قسمت عده از هدایای تقدیمی وی به دربار ایلخان، پارچه‌های زربفت قیمتی کارخانجات بغداد بود (اقبال، ۱۳۷۶: ۱/۵۵۹). رضوی ضمن تأیید این امر می‌افزاید کارخانه فردوس بغداد اهمیت زیادی داشته و به احتمال زیاد سابقه آن به اقدامات عصر هلاکو و فعالیت‌های عظاملک جوینی برمی‌گشت. ترقی موقعیت خواجه تاج الدین علیشاه در زمان الجایتو، از سرپرستی همین کارخانه‌های بغداد آغاز شد (رضوی، ۱۳۸۸: ۹/۳۶۹). از آنجایی که بسیاری از صنعتگران کارخانه فردوس بغداد به کارخانه فردوس سلطانیه منتقل شدند، وصف در شرحی که عظمت کارخانه فردوس بغداد را نیز در خود دارد، کارخانه فردوس سلطانیه را چنین توصیف می‌کند: «... به توفیق ارادت بیچون و میامن دولت روزافزون پادشاه ... عمارت کارخانه فردوس و دیگر اماکن ... به تمام پیوست و چهار هزار نفر صنایع بدیع صنعت دقیق حرفت با اهل و سکن از بغداد بر سبیل طوع و رغب به آنجا نقل فرمود و

اصطحال مبني بر سيصد گز طول و صد گز عرض در پيشگاه آن به سنگ‌های مرمر محجر ساخت» (وصاف الحضره، ۱۳۸۸: ۳۳۵-۳۳۶).

در عهد الجايتو اهميت کارخانجات نساجی بغداد تا آنجا رسیده بود که خواجه سعدالدين ساوجی برای دور کردن رقیب خود یعنی تاج‌الدین علیشاه از حضور ايلخان، او را که داعیه وزارت داشت، به ریاست کارخانه‌های بغداد فرستاد و علیشاه به زودی چنان امور کارخانجات را مرتب کرد که پيش از او کسی آنها را به آن خوبی اداره نکرده بود و در مدتی قليل در آنجا پارچه‌هایی تهیه کرد که تا آن زمان نظیر آنها از جهت نظافت و گرانبهای فراهم نشده بود (اقبال، ۱۳۷۶: ۱/۵۵۹). در آن زمان پارچه‌های ابریشمی و زربفت به نام «بغدادی» مشهور بود و تجارت هند و خلیج‌فارس بدان اختصاص داشت (جوادی، ۱۳۷۸: ۱/۱۰۹). خط و تذهیب نیز در زمان ايلخانان به اوج کمال رسید. جمال‌الدین یاقوت مستعصمی (متوفای ۹۹۷ عق / ۱۲۹۹ م) چهره برجسته خوشنويسی اين عصر، در پرتو توجهات عظاملک جويني تحولات شگرفی در اين هنر به وجود آورد. ايجاد کارگاه خوشنويسی در بغداد توسط عظاملک، سرمشق دیگر دولتمردان ايلخانی در بنای چنین کارگاهی بوده است (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۶۲).

## ۲. علل و زمینه‌های توجه ايلخانان بر بازسازی و رونق شهر بغداد

رونده ترمیم ويراني‌های ناشی از حملات مغول و اصلاح نابسامانی‌ها، از زمان اوگتای قاآن (حکومت: ۶۴۳۹-۶۴۲۴ عق) اولین جانشین چنگیز آغاز شده بود و در دوران حاكمیت ايلخانان اقدامات عمراني دیگری برای بهبود اوضاع صورت گرفت. از آن جمله می‌توان به توصیه‌های منگو قاآن به هولاکو مبني بر آباد کردن ويراني‌ها در ايران، ساختن عمارتات، باغ‌ها و ايجاد آباداني در توس توسط ارغون آقا (حکومت: ۶۴۲۱-۶۵۴۰ همداني، ۱۳۷۳/۲: ۱۳۷۰)، عمارت‌سازی هولاکو در اروميه و مراغه (همان، ۱۰۴۸) و بازسازی قوچان و احيای آن شهر به دست هولاکو (همان، ۱۳۷۱) اشاره کرد. ترمیم ويراني‌ها توسط جانشینان و سرداران چنگیز پس از تسخیر و خرابي بلاد و تأسیس عمارتات و ابنيه (اقبال، ۱۳۷۶: ۱/۵۶۳)، بارها گزارش شده است. در اين ميان، عمران و آباداني بغداد علل و دلایل خاص خود را دارد که در ادامه به ذکر آنها خواهيم پرداخت.

## ۱-۲. موقعیت سوق الجیشی و ماهیت تجاری شهر بغداد

براساس استناد و مدارک تاریخی، موقعیت سوق الجیشی بغداد علت گزینش این شهر توسط منصور بوده است (العبادی، ۱۹۷۱: ۵۴). براساس این منابع، وی پس از جست و جو و مشورت‌های دقیق، با توجه به ملاحظات نظامی، اقتصادی و اقليمی بغداد را که در دشتی حاصلخیز واقع بود و در آنجا کشت و زرع در دو سوی رودخانه رونق داشت (المیمی، ۱۴۳۶/۱۵: ۲۰۱۵؛ ۳۰۱: ۲۰۱۵) برگزید؛ زیرا بغداد از یک سو بر سر راه خراسان و از سوی دیگر بر سر راه کاروان‌های تجاری مصر و شام و بادیه و همچنین ارمنیه، آذربایجان، دیاربکر و جزیره واقع بوده و محل تلاقي راههای کاروان را بوده است؛ به همین دلیل محصولات چین از راه دریا و محصولات موصل و روم از راه دجله به آنجا وارد می‌شد و بازارهای ماهانه در آن محل تشکیل می‌شد. بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که در بغداد پیش رو (به عنوان پایتخت خلفای عباسی) آذوقه برای ارتش و مردم به وفور به دست آید. (مقدسی، ۱۳۸۵/۱: ۱۶۵؛ طبری، ۱۳۶۳/۱۱: ۴۸۷). مستوفی تاریخ شروع کار این بازار را از ابتدای رونق شهر دانسته (مستوفی قزوینی، ۱۳۷۸/۷۲: ۷۲) و خطیب بغدادی قدمت آن را در ایام مملکت العجم می‌داند (خطیب بغدادی، [بی‌تا]: ۲۶/۱) و «هر ساله بازرگانان در آن به دادوستد می‌پرداختند» (دینوری، ۱۳۶۶/۱۴۷). غارت بازار بغداد هنگام فتح مدائن در جریان فتوحات اعراب مسلمان (بلاذری، ۱۳۶۴/۴۲) و اینکه قبل از بنای بغداد هنوز دهکدهٔ کهن و بازار آن برقرار بوده است (دینوری، ۱۳۶۶/۱۳۶: ۲۰۵، ۴۱۰، ۴۲۴؛ یاقوت حموی، ۱۳۸۰/۱: ۵۸۸)، شواهدی بر قدمت بغداد قبل از تأسیس شهر به عنوان پایتخت در زمان منصور می‌باشد. با برخورداری از چنین ویژگی‌های ممتاز و قدمت تاریخی بوده است که بغداد به عنوان پایتخت قلمرو حکومت اسلامی و بازار کالا از حيث فعالیت‌های اقتصادی و کثرت جمعیت، پیش از حمله مغول بسیار پر رونق بوده و تمام مردم دنیا را به خود جذب می‌کرد (یعقوبی، ۲۵۳۶: ۴).

ابن بطوطه که در اوآخر عصر ایلخانی بغداد را دیده، از رونق بازارهای بغداد یاد کرده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۰/۱: ۲۱۹). رضوی به نقل از سفرنامه مارکوبولو، از رونق تجاری عراق عرب و بازار پر رونق بغداد در زمان ایلخانان یاد کرده و از کالاهای تجاری که از خلیج فارس و از طریق دجله به بغداد وارد می‌شد، سخن گفته است. چنان‌که پیشتر نیز گفته شد، آماده و پرداخته کردن مرواریدهایی که از هندوستان وارد بغداد می‌شد و از بغداد به اروپا صادر می‌شد نیز توجه وی را جلب کرده است (رضوی، ۱۳۸۸: ۲۳۴). لذا می‌توان گفت یکی از

دلایلی که هلاکوخان و جانشینانش را بر اهمیت بغداد واقف کرد، موقعیت سوق الجیشی بغداد بوده که سبب شد هلاکوخان پس از استقرار در مراغه، بغداد را به عنوان پایتختی مهم و قشلاقی برگزیند و در سراسر عصر ایلخانی در کنار پایتخت‌های دیگر و اردوگاه‌های تابستانی و زمستانی همچون ارگان، قراباغ، اوجان، سلطانیه، همدان، نیم مردان و تبریز، به عنوان پایتخت قشلاقی حفظ شد (اقبال، ۱۳۷۶: ۵۶۲/۱).

## ۲-۲. تقابل با ممالیک و سیاست دستیابی به دریای مدیترانه و ممالک اروپایی

شاید انتخاب چندین اقامتگاه توسط ایلخانان، متأثر از رسم ایلیاتی مغول در رفقن به قشلاق و بیلاق بوده باشد (اقبال، ۱۳۷۶: ۵۶۲/۱)، اما اهتمام تمامی ایلخانان بر عمران بغداد دلایل مهم سیاسی داشته است. ایلخانان ناگزیر بودند پیوسته توجه خاص به مرزهای جنوب غربی قلمرو خود، یعنی سرحد فرات معطوف دارند (اشپولر، ۱۳۷۴: ۶۸-۶۹)؛ زیرا گریز برخی از بستگان مستعصم (۶۴۰-۵۶ عق) آخرین خلیفه عباسی پس از قتل وی و سقوط بغداد به مصر و شکل‌گیری بساط تازه خلافت عباسی در پناه ممالیک مصر که تا سال ۹۲۷ ق ادامه داشت، سبب پشت‌گرمی امرای مملوک مصر در سایه حمایت معنوی خلفای عباسی دست‌نشانده شده و پیشوایی‌های مغولان جهت تسخیر فلسطین را مسدود کردند و بیشتر مغولان را در «عين جالوت» به قتل رساندند (همان، ۵۹-۶۲). متوقف شدن پیشوایی‌ها که تا حد زیادی به تحولات سیاسی دربار خان بزرگ ارتباط داشت، منجر به تقابل دائمی ایلخانان با ممالیک به منظور تسلط بر تمامی جهان اسلام و پیشوایی به سمت غرب جهت دستیابی به دریای مدیترانه و ممالک اروپایی شد و در این میان، موقعیت استراتژیک و ماهیت تجارتی بغداد، ایلخانان را از ابتدا بر موقعیت ممتاز این شهر به علت قابلیت‌های گوناگون آگاه کرد و ضرورت‌های تقابل با ممالیک و لشکرکشی به جانب شامات و مصر، اهمیت بغداد را در تأمین سپاه و آذوقه لشکر مضاعف ساخته بود. لذا می‌توان گفت ایلخانان باید هرچه زودتر به ترمیم ویرانی‌ها و نوسازی بغداد به عنوان پایگاهی جهت فتوحات بعدی در شرق مدیترانه و حکمرانی بر جهان اسلام در شأن یک پایتخت مقنن مغول در تقابل با قاهره و دمشق پردازند. آنچه ایلخانان را به پیکار با مصریان ترغیب می‌کرد، فقط کسب قدرت نبود، بلکه این اعتقاد بود که سوریه و فلسطین طبیعتاً از نظر جغرافیایی و سیاسی با مصر مربوط است؛ لذا باید بر دره‌های نیل نیز فرمانروا باشند و یا از دست یافتن به دریای آزاد در سواحل سوریه صرف نظر کنند. (همان، ۶۴). شاید برقراری ارتباط نزدیک با اروپا، در تعیین انتخاب بغداد به

عنوان پایتخت دخیل بوده است (اشپولر و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۸۱).

البته لازم به یادآوری است که دستیابی به مدیترانه و مصر، مأموریت هلاکو بوده است که از ابتدا بر فتح بغداد و پیشروی تا مصر تعریف شده بود. آنچه انگیزه این مأموریت پس از فتح بغداد را بیشتر می‌کرد، انتقال پایتخت معنوی جهان اسلام از بغداد به مصر توسط ممالیک مصر و حمایت از خلفای دست‌نشانده عباسی بود که موجب اهمیت بغداد در نظر ایلخانان و نیز سیاست نزدیکی با دول اروپایی جهت مقابله با ممالیک مصر شد. بر همین اساس، در کنار مقابله‌های نظامی، محاصرهٔ تجاری ممالیک در خلیج فارس نیز صورت گرفته بود. چگونگی اجرای این طرح نقشهٔ مبلغان مسیحی بود. شخصی به نام «گیوم آده» به زمامداران اروپایی پیشنهاد داده بود که باید ناوگانی در خلیج فارس یا دریای هند متصرف کرد و جلوی کشتی‌هایی را گرفت که از هند و خاور دور کالا به مصر می‌برند و به جای هزینهٔ گراف لشکرکشی، با صرف هزینهٔ اندک از نیروی دریان دریایی بهره برد. بار دیگر؛ «مارینو ساندو» بر اجرای این طرح تأکید کرد و ارغون درصد بود این فکر را اجرا کند. ارغون (۶۸۳-۹۰ عق) در سال ۹۰۹ عق به کمک نهصد بازرگان ژنوی شروع به ساخت کشتی‌هایی کرد تا پس از آماده‌سازی، از طریق دجله به خلیج فارس بروند و با بستن دهانهٔ دریای سرخ در نزدیکی عدن، مانع از برقراری روابط تجاری اقیانوس هند و خلیج فارس با مصر و شام شوند (جوادی، ۱۳۷۸: ۱۰۲). در جنوب غربی، فرمانروایان مملوک راه ایلخانان را به سوی دریا بسته بودند و راه‌های آسیای صغیر و ارمنستان صغیری که غیرمستقیم به روی آنان باز بود، کفایت نمی‌کرد (اشپولر، ۱۳۷۴: ۶۴)، در حالی که براساس اسناد و شواهد تاریخی، یکی از اهداف اصلی چنگیزخان در حمله به ممالیک خوارزمشاهی، افتتاح راه تجاری بین مغولستان و آسیای غربی بود و جانشینان او نیز همه در رعایت این اصل و حفظ امنیت و رعایت حال تجار نهایت جهد را به کار می‌بردند (اقبال، ۱۳۷۶: ۱/۵۶۶-۵۶۷). با این مقدمه، به نظر می‌رسد که عامل نگرش اقتصادی و تجاری ایلخانان و امنیت راهها و جاده‌های تجاری در کنار موقعیت استراتژیک بغداد و تقابل با ممالیک، در رونق و آبادانی بغداد در عصر حاکمیت ایلخانان تأثیرگذار بوده است.

**۳-۲. نگرش اقتصادی-تجاری ایلخانان مغول و نیاز به درآمد ناشی از صادرات رونق تجاری و پیشرفت شهر بغداد علاوه بر ماهیت تجاری (القدسی، ۱۹۸۸: ۳۶۹) آن و**

انگیزه‌های سیاسی، تابعی از رونق وضعیت تجاری قلمرو خانان مغول از خانبالیغ و چین گرفته تا بلاد ماوراء النهر و خراسان و تبریز و بغداد و سلطانیه بوده است. اولین نمود توجه جدی هولاکو خان به تجارت، در ماجراجای فتح بغداد دیده می‌شود. بازرگانان از جمله کسانی بودند که هولاکو با نوشتن پرلیغ آنها را به جان امان داد و هنگام فتح از قتل و غارت معاف شدند. ابن‌عبیری به صراحت اشاره می‌کند که قصد منگو از اعزام قوبیلای و هولاکو به شرق و غرب امپراتوری مغول با انگیزه‌های اقتصادی بوده است (ابن‌عبیری، ۱۳۶۴: ۳۳۸).

توجه به تجار و بازرگانان از سوی مغولان از آغاز تهاجمات و فتوحات، نه تنها در راستای تأمین نیازهای معيشی، بلکه در زمینه جمع‌آوری اطلاعات و آگاهی از احوال دیگر ملل نیز مورد توجه بوده است؛ تا آنجا که بخش زیادی از اطلاعات چنگیز در مورد قدرت‌های همسایه، توسط تجار فراهم می‌آمد (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۷۳) و چنگیزخان حمایت طبقه تجار را ضامن فتوحات خود می‌دانست (لوی عباسی، ۱۳۳۴: ۴۱)؛ به همین دلیل برای بازرگانان شرایط بسیار مناسبی فراهم کرد و به آنان امنیت کامل در زمینه کارشان داد (اشپولر، ۱۳۷۴: ۴۲۹).

در نتیجه می‌توان گفت به دلیل اهمیتی که مغولها برای تجارت قائل می‌شدند، بر ایجاد امنیت و ثبات مسیرهای تجاری اهتمام داشتند و زمینه برای رونق راههای تجاری که از زمان گذشته وجود داشت، فراهم بود (لوی عباسی، ۱۳۳۴: ۳۴) و در این میان، ترمیم و عمران راههای بازرگانی که به بغداد می‌رسید، علاوه بر کسب درآمدهای ناشی از صادرات و واردات که برای ایلخانان بسیار مهم می‌نمود، جهت تسهیل در انتقال نیروهای جنگی برای فتوحات بعدی، بهخصوص در تقابل با مصر و شام و شرق مدیترانه بوده است و اینک که مغولان بغداد را از آن خود می‌دانستند، می‌خواستند از ظرفیت‌های موجود بغداد جهت تأمین خواسته‌های متفاوت خود بهره بگیرند و خزانه خود را غنی سازند.

بغداد که از گذشته محصولات تجاری، نظیر احجار کریمه و یاقوت، آبنوس و عنبر و محصولات زراعی، مانند درخت پرتقال و لیمو و غیره را از هند، چین، مرو، خراسان، اهواز و ارگان وارد می‌کرد و به صادرات لباس‌های پنبه‌ای و دستمال‌های ابریشمی، ظروف شیشه‌ای و سفالی، مواد فلزی و نیز دارو اهتمام داشته است (الضلاعین، ۲۰۰۹، ۶۱۹-۶۲۹)، در عصر ایلخانان نیز به واسطه درآمد صادرات و دادوستدهای ترانزیتی، با وجود نرخ‌های بالای مالیات (تمغا) پس از فتح مغول توانست خرابی‌های گذشته را جبران کند و حتی پیشرفت کند و

رونق یابد.

ابن بطوطه از صادرات فرش‌های مخصوص و بی‌نظیر و باقته شده از پشم گوسفند به عراق یاد می‌کند و می‌گوید: «گمشانه دارای معادن بزرگ نقره و محل رفت و آمد تجار عراق بود» (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۳۵۲/۱). وی همچنین از نوعی جامه‌های «کمخا» (پارچه‌های ابریشمی زربافت) که در بغداد تولید می‌شدند، یاد کرده است (همان، ۳۵۴-۳۵۶).

غالباً تجار خارجی در تبریز و بغداد منسوجات موصل را می‌خریدند و به خارج صادر می‌کردند، مانند یک قسم قالی و پارچه‌ای از نوع «الیجه» که مشهور عالم بوده است (اقبال، ۱۳۷۶: ۵۶۰/۱) و یا تولید ابریشم و دیت‌های گلدار و زربفت در بغداد (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۵۲). باید گفت که صنعت پارچه‌بافی در بغداد قدمت داشته است. برای نمونه، به گزارش مقدسی در قرن چهارم اشاره می‌کنیم؛ «در آنجا حصیرهای زیبا و خرمای عالی دارند. در بغداد لنگ و دستار عالی و دستمال‌های قیصری می‌سازند» ( المقدسی، ۱۳۸۵: ۱۷۸-۱۷۹)؛ و نیز قدمت صنعت مروارید که همچنان در عصر ایلخانی فعال بوده است. حمدالله مستوفی از نمونه‌های صنایع فعال در بغداد، به صنعت مروارید اشاره می‌کند و می‌گوید: «مرواریدهای صید شده از کیش و خارک و هرمز را جهت آماده شدن و صدور به این شهر می‌آوردند» (مستوفی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۹۶).

### ۳. علل و زمینه‌های ویرانی و رکود تجاری شهر بغداد در عصر ایلخانی

با وجود سیاست ایلخانان که اهتمام بر رونق و آبادانی بغداد را داشتند، علل و عوامل متعددی سبب شد شکوفایی بغداد چندان رضایت‌بخش نباشد و سیر نزولی بغداد تا پایان عصر ایلخانی همچنان پایدار و فراینده تداوم یابد. اولین عامل را می‌توان شرایط جوی خاص شهر بغداد دانست که با سست شدن پایه‌های اقتدار سیاسی و سوء مدیریت، آثار ویرانگر خود را بیشتر نشان می‌داد.

#### ۱-۳. شرایط اقلیمی و جوی

مورخان هوای بغداد را نامناسب وصف کرده‌اند، اما هم آنان در گزارش‌های متعدد از شکوه و عظمت اقتصادی و فرهنگی و نیز اعتلای کم‌ویش بغداد یاد کرده‌اند. به گفتهٔ مورخان «هوای بغداد رقیق است و زود عوض می‌شود، چه بسا در تابستان گرم و سوزان می‌شود ولی به زودی

خنک می‌گردد» (مقدسی، ۱۳۸۵: ۱۷۳) و به گزارش مسعودی: «در عراق اگر بروزهای بوارج باد، دوام یابد و با آید. در بغداد اگر باد شمال از بالای دجله وزد ابرها را ببرد و اگر باد جنوب در بغداد از پایین دجله وزد دجله طغیان کند و ابر و باران فراوان شود» (مسعودی، ۱۳۶۵: ۱۹). بدین ترتیب، وقوع سیلابها و نزول باران و نابسامانی اوضاع شهر بغداد به دلیل شرایط جوی، از بدو تأسیس شهر بغداد امری رایج بوده است و با تکیه بر منابعی چون حوادث الجامعه ابن فوطی و تاریخ وصف، از سالهای ۴۱ عق تا پایان قرن هفتم قمری می‌توان به چند نمونه از این حوتدهٔ طبیعی اشاره کرد: طغیان دجله و وقوع زلزله در بغداد در سال ۴۱ عق (ابن فوطی، ۱۱۲-۱۱۳: ۱۳۸۱)، وزش تندباد و نزول تگرگ‌های بزرگ و طغیان دجله و غرق محله رصافه در سال ۴۵ عق (همان، ۲۳۰)، سرمای شدید و هلاکت احشام در سال ۶۷۴ عق (همان، ۲۳۰)، عدم نزول باران و شیوع بیماری و قحطی و گرانی در سال ۶۷۸ عق (همان، ۲۴۴) و نیز سال ۹۰ عق (آیتی، ۱۳۸۳: ۱۵۴-۱۵۵). همچنین در سال ۶۹۸ عق باران نبارید و آب دجله و فرات نقصان یافت و از بی قحطی، وبایی عظیم و سرخچه شیوع یافت (همان، ۱۹۸). آنچه بر وحامت اوضاع می‌افزود، سوء مدیریت، تلاش‌های ناکافی و نامستمر حکام و عدم مقابلهٔ صحیح با بحران‌های ناشی از شرایط جوی بود که نتیجه‌ای جز ویرانی بغداد به بار نیاورد.

## ۲-۳. نظام مالیاتی ایلخانان و دریافت رشوه

در شهر بغداد که بیش از پنج قرن دارالخلافه دنیای اسلام و مقر سکونت خلفاء، وزرا و صاحب منصبان بود، وجود مفاسد اقتصادی همچون رشوه، تقلّب، پرداخت‌های غیرقانونی، استفاده از قدرت، حیف و میل کردن بیت‌المال، اختلاس، أخذ مالیات از راههای غیرقانونی، از مدت‌ها قبل و در سراسر عصر خلفای عباسی بر شکوه و عظمت آن آسیب می‌زد. چنان‌که مسکویه در ذیل بیان حوادث قرن چهارم قمری، با بیان گزارش‌های مربوط به مفاسد اقتصادی در بغداد (مسکویه، ۱۳۷۶: ۱۳۷/۵، ۱۶۲/۵، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۹۳، ۲۲۲، ۲۴۳)، دریافت مالیات از راههای غیرقانونی (همان، ۱۳۱/۶، ۱۶۰، ۱۶۷)، خرید مناصب دولتی (همان، ۲۹۶، ۳۲۱؛ همان، ۷/۵، ۶۵، ۶۸، ۷۷، ۷۹، ۹۹، ۱۱۵، ۱۰۱)، مصادره اموال (همان، ۱۴۷/۵، ۱۴۹-۱۵۲، ۱۵۸-۱۵۵، ۱۶۳) و غیره به ریشه‌دار بودن مقدمات زوال در بغداد مدت‌ها قبل از عصر ایلخانی اشاره کرده است.

در بغداد عصر ایلخانی علاوه بر زمینه‌های فساد و ارتشاء و اختلاس دولتی‌ها و ظلم

کارگزاران حکومتی، نظام مالیاتی ایلخانی نیز یکی از عوامل مهم ناتوانی بغداد در رسیدن به همان سطحی بود که قبل از حمله مغول بدان دست یافته بود.

با توجه به ابهام معنای برخی از اصطلاحات و ماهیت نظام مالیاتی دوره ایلخانان، پتروشفسکی در کنار مالیات‌هایی که قبل از حمله مغول معمول بوده، مانند خراج یا مالیات ارضی، از اقسام دیگر مالیات که در عهد ایلخانان به وجود آمد، مانند پیچور، قلان، تمعا، تفاوت، توفیر، زواید و تمری، [و نیز اصطلاح] اخراجات، حق التقریر، حق التولیه و حق التحصیل نام برد است. البته گذشته از اینها، مالیات‌های دیگری نیز از مردم گرفته می‌شد که خودسرانه از سوی زمامداران محلی وضع می‌شد؛ با نام «شلتاقات» و نیز برات‌ها که نوشته‌ای است از طرف حکومت که به شاهزادگان، امرا، اعیان و کارگزاران اجازه می‌داد آن را برای وصول واجب و مستمری خویش، از محل مالیات‌های ولایات و ایالات نقد کنند (پتروشفسکی، ۱۳۷۹: ۵۰۲/۵، ۵۰۸).

بدون تردید، بهترین توصیف از نظام مالیاتی مغولان، در گزارش رشیدالدین فضل الله بیان شده است. او شرح می‌دهد که چگونه خوانین و شاهزادگان و امراه اردو و امرای تومنان و هزاره و صده و شحنه‌های مغول و اصحاب اردو، از جمله قوشچیان، بارسچیان، اختاچیان، قرچیان، ایداچیان و دیگر اصناف، به هر بیانه‌ای جهتأخذ مال، ایلچی به ولایات می‌فرستادند. این عمل آنقدر تکرار شده بود که دزدان و راهزنان هم خود را در لباس ایلچی معرفی می‌کردند و از مردم مالیات می‌گرفتند (همدانی، ۱۳۷۳: ۲/۱۴۲۲، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶).

اشپول نیز فقدان فهرست‌های دقیق مالیاتی و وصول مکرر مالیات توسط تحصیل‌داران متعدد را از دلایل افزایش فقر و ویرانی عصر ایلخانی می‌داند. وضع دلخواهی مالیات توسط سعدالدوله، نمونه‌ای از موارد متعدد است (اشپول، ۱۳۷۴: ۹۰؛ آیتی، ۱۳۸۳: ۱۳۳).

بدین ترتیب می‌توان با قاطعیت استنباط کرد که فضای بغداد نیز همچون سایر ممالک تحت نفوذ ایلخانان، مملو از فساد اداری بوده است. به قول اشپول، تکرار حوادث مشابه در بغداد عصر ایلخانی، نشان از تداوم اقتصاد بیمار دارد که به مرور موجب سودجویی و اعمال غرض مأموران مالیاتی شده بود و به شکل اختلاس حتی در عملکرد برجسته‌ترین مأموران مالیاتی نیز دیده می‌شد (اشپول، ۱۳۷۴: ۳۱۰-۳۱۱).

همچنین حکام که خزانه را خالی و خود را در ورطه سقوط می‌دیدند، اقدام به مصادره اموال بزرگان تا سرحد شکنجه و قتل می‌کردند. برای نمونه، به دستور «ایلخان اباقا (۶۶۳-

۸۰(ع) تغاجر یرغوچی با طایفه‌ای از معادیان به بغداد رفتند و حتی چند بار به رباط و خانقه صاحب‌دیوان جوینی رفتند، زمین آن را شکافتند و خراب کردند ولی هیچ نیافتنند. عاقبت او را به غل و زنجیر کشیدند» (آیتی، ۱۳۸۳: ۶۴). پس از مصادره اموال جوینی و قتل او، فرزندان او را نیز کشتند. حتی بر اطفال بی‌گناه نیز رحم نکردند (همان، ۸۴).

مصادره اموال بوقا توسط ارغون خان (همان، ۱۳۲)، به زنجیر کشیدن عزالدین مظفر توسط بایدوخان (همان، ۱۸۷)، مصادره سعدالدین صاحب‌دیوان در اثر ساعیت تاج‌الدین آوی توسط الجایتو (آیتی، ۱۳۸۳: ۲۷۸) و قتل علی بهادر شحنة بغداد و العلوی معروف به «الطویل»، طلب مال از ابن عبدالوس (ابن‌فوطی، ۱۳۸۱: ۲۰۸) و موارد متعدد دیگر، به روشنی گویای وجود فساد اداری در ممالک تحت نفوذ ایلخانان است.

### ۳-۳ عدم تعادل مخارج و درآمد ایلخانان

سیاست مصادره و ضبط اموال موجب می‌شد تا بزرگان بغداد از ترس مصادره، ذخایر مالی خود را پنهان کنند. این اقدام موجب کاهش پول نقد و افزایش نرخ تورم شد. در نتیجه، تجارت از رونق افتاد و بازار چار رکود شد. واکنش اهالی بغداد به این نابسامانی‌ها، ناآرامی و اغتشاش بود و چه‌بسا بسیاری از بزرگان به سبب ترس از مصادره اموال یا گارا املاک‌شان، بغداد را ترک کردند. در مورد درآمد و چگونگی مخارج دولت ایلخانان، اطلاعات جامعی در دست نیست. عمدۀ اطلاعات درباره میزان درآمد مالیاتی است که حمدالله مستوفی اطلاعات دقیقی در این مورد به دست می‌دهد.

قدر مسلم آنکه فتوحات هلاکوخان با غنایم بسیار همراه بود. برای نمونه، می‌توان به غارت سرای خلیفه در بغداد که رشید الدین، وصاف و دیگر مورخان پس از شرح قتل و عام به تفصیل گزارش کرده‌اند (آیتی، ۱۳۸۳: ۲۹)، نقود گداخته و تحف و هدايا جهت ایلخان و نقل اموال بغداد (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۰۲۲۷/۲؛ میرخوند، ۱۳۷۳: ۸۹۶) به خزانه دولت ایلخانی در جزیره شاهو و مخفی کردن اشیای قیمتی الموت در همین خزانه (اشپولر، ۱۳۷۴: ۲۹۸) اشاره کرد.

خزانه حکومتی که با غنایم ناشی از فتوحات هولاکوخان غنی شده بود، بر اثر سیاست‌های نامناسب و همچنین فساد مالی کارگزاران مغولی، در حالی با مشکلات مالی مواجه شد که دورۀ غنایم جنگی به سر آمده و حکومت ایلخانی در گیر نبردهای تدافعی با دشمنان و همچنین جنگ‌های خانگی بود و این امر هزینه‌های زیادی به دنبال داشت. یکی از

دلایل نزاع دائمی ایلخانان با ممالیک، چشم طمع به ثروت مصر و کسب غنایم بود. به طور قطعی ایلخانان برای اداره قلمرو وسیع خود، تقدیم هدایا و بخشش‌های بی‌حد و حصر که یکی از موارد هزینه‌های عصر ایلخانی است، مانند پیشکش کردن سفینه‌ای به سلطان الجایتو توسط تاج‌الدین علیشاه در سال ۷۰۹ (آیتی، ۱۳۸۳: ۲۷۲)، اهدای کله‌ای مرصع به وزن چهارده رطل از دانه‌های گوهر و کلاهی مکلّل به جواهر که قطعه لعلی به وزن بیست و چهار مثقال بر قبّه آن نصب شده بود و نه غلام با کمرهای زبرجد بر اسبان عربی با ساخت و سازم زر (همان، ۲۷۹) و نگهداری سپاه بزرگ آن و تأمین مایحتاج لشکر، احتیاج به درآمدهای هنگفتی داشتند. در حالی که عمدت‌ترین منع درآمد، مالیات بود که بار اصلی آن بر دوش رعایا قرار داشت.

زمانی می‌توان بر و خامت اوضاع در عصر ایلخانی بی‌برد که میزان درآمد هیئت حاکمه و اوضاع رقت‌انگیز و ملال‌اور مردم که بار اصلی تأمین منابع درآمد را بر دوش می‌کشیدند، با میزان مخارج و هزینه‌های حکام مورد انطباق قرار گیرد. در هر حال میزان قطعی این هزینه‌ها معین نیست؛ زیرا با تغییر ایلخان و تغییر شرایط حکومتی، میزان و مبلغ پرداختی تغییر می‌کرده است. درآمدهای ناشی از تولیدات کشاورزی که می‌توانست تا حدی اوضاع را برای مردم و هیئت حاکمه به سامان آورد، به دلیل سیاست گذاری‌های ناکارآمد اقتصادی در کنار شرایط جوی و اقلیمی، بی‌توجهی به قنات‌ها و نظام آبیاری و وضعیت رودها و نهرهای بغداد، دچار رکود شده بود و در نتیجه منابع کاهش چشمگیری در وضعیت کشاورزی نشان دادند. آنچه که بر و خامت اوضاع می‌افزود، تیول مناطق ویران بود که توسط ایلخانان به اقطاع گیرندگان واگذار می‌شد و آنها و وابستگانشان بدون توجه به وضعیت موجود، به بهره‌برداری هرچه بیشتر می‌اندیشیدند و زیان حاصل را بر رعایا تحمیل می‌کردند.

مقاطعه‌داران به جهت مال‌اندوزی انواع عذاب‌ها را روا می‌داشتند؛ چنان‌که آن مازاد اندک عین نقصان می‌شد و پاره‌ای از موضع که خراج آن گران افتاده بود، رعایا را مجبور می‌کردند تا دست از حاصل خود بشویند؛ زیرا آنان را از تصرف منع می‌کردند (همان، ۲۴۰).

#### ۴-۳. عدم وجود نهادهای نظارتی بر عملکرد تجّار

بغداد از مراکز تولیدات صنعتی و صادراتی برای بازار بین‌المللی و نیز بازار کالاهای گوناگون بود و نظارت بر کار افراد در جامعه و نظارت بر بازارها و حرف و نظارت بر قیمت و ترازوها تا قبل از حمله مغول، بر عهده تشکیلات اداری و دینی به نام حسنه بوده است

(ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۴۲۰/۱). نظارت بر بازار، بهویژه دادوستد، نرخ گذاری و قیمت‌ها و نظارت بر کسبه، از موارد مسلم حسبه بوده است (مشايخی، ۱۳۷۶: ۱۴۴-۱۴۶).

اینکه نهاد نظارتی حسبه چه نقش‌های متنوعی در رونق فضای کسب و کار تولید در تمدن اسلامی ایفا می‌کرد، به روشنی می‌توان در آثار افرادی چون ابن‌اخوه، شیزری، ابن‌بسام و ابن‌عبدون دید؛ بهویژه کتاب معالم القریب فی الحکام الحسیب تألف ابن‌اخوه قرشی که در روزگار ایلخانان نوشته شده است. وی می‌گوید: همه مشاغل یک شهر اعم از نانوایی و قصابی، پزشکی، و کالت و غیره در حوزه بازرگانی محتسب قرار داشت و محتسب موظف بود از معاملات ناروا جلوگیری کند (ابن‌اخوه، ۱۳۸۶: ۱۲۰-۱۲۱).

گفتنی است موضوع حسبه و محتسب دامنه‌ای وسیع داشته است که قصد ما پرداختن به آنها نیست، بلکه پس از مطالعه منابع مرتبط، آنچه در همه مناطق تحت حکمرانی ایلخانان مورد توجه قرار می‌گیرد، خلاصه نهاد نظارتی حسبه و فعالیت محتسبان می‌باشد. بدون تردید باید انتظار داشت که اوضاع اجتماعی و اقتصادی و خیمتر از ایام گذشته بوده باشد. به نظر می‌رسد قبل از مسلمانی ایلخانان، «شحنگان» به جای «محتسبان» مسئول برقراری نظم بازار بوده‌اند (جوینی، ۱۳۸۲: ۲۹۲/۳).

نمی‌توان شؤون شحنگان و نائبان را با شأن محتسب مقایسه کرد؛ زیرا از شرایط محتسب نزد علمای شیعه و اهل سنت، مواردی چون عادل بودن، مرد بودن و رسیدن به درجه اجتهاد بوده است (مشايخی، ۱۳۷۶: ۳۷)؛ حال آنکه بنا بر آنچه گذشت، نائب‌ها از هیچ نوع اعمال غرض و سودجویی رویگردان نبودند (اشپولر، ۱۳۷۴: ۳۷).

می‌توان گفت تضعیف نهاد نظارتی حسبه در کنار علل و عوامل یاد شده، می‌تواند از علل افزایش تورم و گرانی در بغداد عصر ایلخانی باشد. به طور مثال، ابن‌فوطی ذیل حوادث سال ۶۶۸ق. می‌نویسد: «در سال ۶۶۸ بهای چیزها در بغداد بالا رفت. آن سان که یک کرگندم را صد و پنجاه دینار می‌فروختند و در بیشتر اوقات نان در بازارها به سختی به دست می‌آمد» (ابن‌فوطی، ۱۳۸۱: ۲۱۹). همین مورخ در مورد افزایش تورم در بغداد ذیل حوادث سال ۸۴۴ع. می‌گوید: «سپس اجناس گران شد و بهای یک کرگندم به صد و هشتاد دینار رسید و یک کر جو صد دینار و نان را هر سه رطل به یک درهم می‌دادند. از موصل آرد و نان نازک رسید که آن را در نهانخانه‌ها می‌فروختند که فقط بعد از واقعه فتح بغداد که مردم حله را سلطان امان داده بود این گونه معامله می‌شد» (همان، ۲۶۷). همچنین در تداوم اوضاع ناگوار

همین سال آورده است که: «مردم فقیر و ناتوان فرزندان خود را می‌فروختند، حتی زنی خود را به دجله افکند. مردم برگ هویج و شلغم و پیاز و هر نبات که از زمین روییده بود، چون ریشه‌نی و بردی و گز و غیر آن می‌خوردند. سال به پایان رسید و مردم همچنان در رنج بودند. از یک سو گرانی اجناس و از سویی سقوط بهای درهم بر رنجشان درافزوده بود» (همان، ۲۶۸).

### ۵-۳. منازعات مذهبی

آنچه شرایط را برای بروز ویرانی و رکود در کنار عوامل یاد شده هموار می‌کرد، سیاست‌های جناحی مذهبی و سرکوب و تبعیض علیه مذاهب و مکاتب دیگر بود. منازعات فرقه‌ای در شرایط خاص سیاسی، اقتصادی و مذهبی شهر بغداد، همواره مهم‌ترین عامل حادثه‌ساز بوده است. تلاش پیروان مذاهب برای نفوذ در ساختار قدرت و یا گرایش مذهبی خلفاً به فرقه‌ای خاص، منازعات را تشدید می‌کرد؛ مانند موضع مأمون در جریان «فتنه خلق قرآن» (یعقوبی، ۱۳۶۲: ۴۹۱/۲) و یا منازعات مخرب مذاهب اهل سنت بر سر تصاحب منصب قضاوت (حیدر، ۱۳۹۲: ۲۹۵/۱) و در گیری‌های شیعیان و سنیان، مانند آتش زدن محله کرخ توسط ابوالفضل بن عباس در ۳۶۱ق (ابن‌اثیر، ۱۳۸۰: ۳۸۳/۵) و دهها نمونه دیگر که منجر به بی‌ثباتی بازارهای بغداد در کرخ و رصافه شد. در جریان یاد شده «هدفه هزار انسان جان باخته، سیصد دکان، سی و سه پل، بسیاری از ساختمان‌ها و اموال زیادی از بین رفت» (همان، ۳۸۳). آتش گرفتن مناطق سوق العروس، سوق الاغاظ و سوق الدقاقين در سال ۴۲۲ و «کشته شدن جمع کثیری در سال ۶۵۳» حاصل همین منازعات بوده است (ابن‌فوطی، ۱۳۸۱: ۱۷۱). با روی کار آمدن دولت ایلخانی که از اساس تعلق خاطری به اسلام نداشت، زمینه برای قدرت آزمایی ادیانی چون مسیحیت و یهود فراهم آمد. فولتس در کتاب گزار معنویت از ایران زمین می‌نویسد: «مسیحیان تا آنجا که توانستند انتقام خود را از مسلمانان گرفتند. آنها که تا پیش از این در انجام مراسم دینی خود با محدودیت‌هایی مواجه بودند، اکنون به صورت افراطی به آنچه مغایر با قوانین اسلام بود تظاهر می‌کردند. حتی در بغداد تعدادی از مسلمانانی را که قبلًاً مسیحی بودند، در دجله غرق کردند» (فولتس، ۱۳۹۰: ۱۴۱-۱۴۲). به گفته اشپولر با حمله طرفداران خلیفه عباسی با حمایت ممالیک مصر، مسلمانان بغداد فرصت را مغتنم شمردند و به قتل عام مسیحیان مبادرت ورزیدند (اشپولر، ۱۳۷۴: ۲۱۴).

ابن خلدون در بیان کینه‌توزی مذهبی می‌گوید: «تضاد عقیدتی و کینه‌ورزی شهروندان سنى

و شیعه و مسیحی چنان بود که در جریان فتح بغداد یکی به زیان دیگری دروازه را به روی خصم می‌گشود» (ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۸۲۱/۲). تغییر گرایش دینی ایلخانان نیز زمینه رقابت‌ها و میدان منازعات را تحت الشاعع خود قرار داده بود و «چه بسا تغییر سیاست مذهبی سبب اتفاقات مردم به سلطان مصر که مدافعان اسلام محسوب می‌شد، می‌گردید» (اقبال، ۱۳۷۶: ۲۰۴/۱).

### ۳-۶. رقابت‌های سیاسی و لشکرکشی ایلخانان به شامات و مصر

در کنار جنگ بر سر دستیابی به قدرت توسط حکام ایلخانی، آنچه بر و خامت اوضاع می‌افزود و ویرانی بغداد را تشید می‌کرد، جنگ‌های متعدد جهت تصرف مصر و شام بود و بغداد می‌باشد مخارج این جنگ‌ها را تأمین می‌کرد. همان‌طور که گفته شد، مأموریت هولاکو توسط خان بزرگ، از ابتدا از جیحون تا مصر تعریف شده بود (همدانی، ۱۳۷۳: ۹۷۴/۲). لذا پس از سقوط بغداد تسلط بر بیت‌المقدس و به زانو درآوردن شام و مصر (ساندرز، ۱۳۸۳: ۱۱۲)، مورد اهتمام تمامی ایلخانان قرار گرفت. هلاکو بلاfacile پس از فتح بغداد به حلب و شام لشکر کشید. فتح شام پس از جنگ و گریزهای پی در پی (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۰۲۵/۲)، نوید فتح مصر را می‌داد که به پشتونه خلافت عباسی رقیب سرسختی برای ایلخانان محسوب می‌شد (همدانی، ۱۰۲۸)؛ به همین دلیل هلاکو با فرستادن ایلچی به مصر، به تهدید و ارعاب ممالیک پرداخت، اما پیکار اصلی در «عین جالوت» در فلسطین روی داد و برخلاف انتظار مغولان، جمع کثیری از آنها کشته شدند و با شکست عین جالوت شام نیز ضمیمه مصر شد (همدانی، ۱۰۳۵). ایلخانان بعدی تا عهد اولجایتو همچنان به لشکرکشی بی‌ثمر عليه ممالیک مصر دست می‌زدند. اباخاخان به بهانه تاخت و تاز شامیان عزم مصاف با مصریان را داشت، اما از فرات نگذشت (همدانی، ۱۱۱۶). غازان نیز به این بهانه، دفع شر آن طاغیان را بر خود لازم دانست و به سمت شام و مصر لشکر کشید (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۲۸۹/۲-۱۲۹۴). بدین ترتیب بغداد در این ایام به عنوان کانون مهم مقابله با دشمنان متعدد، بیشتر از گذشته آسیب دیده بود و بار تأمین مخارج جنگ‌های متعدد را بر دوش می‌کشید. در حالی که علاوه بر تخریب، نالمنی موجود پیامدی جز رکود اقتصادی و تجاری برایش به ارمغان نیاورد و باید هزینهٔ رونق و شکوه پایتخت بیلاقی ایلخانان یعنی تبریز و سلطانیه را نیز می‌پرداخت.

## نتیجه‌گیری

شهر بغداد در ایام حاکمیت ایلخانان جایگاه معنوی پیشین خود را در ممالک اسلامی از دست داد و اداره شهر به عنوان یکی از پایتخت‌های ایلخانان، به عناصر ایرانی واگذار شد. با ورود نیروهای مغول به بغداد و ساختارهای جدید، اداره شهر رابطه مستقیمی با اهداف ایلخانان داشت که به دلیل اهتمام ایلخانان بر بازسازی بغداد، با جدیت و کوشش حکام و کارگزاران مسلمان، احداث و نوسازی و بهبود نسبی صنعت و هنر در این شهر آغاز شد. ایلخانان با بهره‌گیری از ماهیت تجاری و استراتژیک بغداد، در صدد بودند تا از نیروی مادی و ثروت، راههای بازرگانی، آبادی‌ها و امکانات موجود بغداد، همچون دجله و نهرهای منشعب از آن بهره‌برداری کنند تا هم خزانه خود را غنی سازند و هم بغداد پایگاهی جهت مقابله با ممالیک مصر و پیشوای برای فتوحات بعدی باشد، اما با وجود تمایل فراوان حکام ایلخانی، سست بودن پایه‌های حکومت آنها سبب انحطاط، تنزل و عدم ثبات تمامی ارکان اجتماعی شد و حکومت ایلخانی نه تنها نتوانست بر جریان امور اقتصادی و اجتماعی نظارت شایسته داشته باشد، بلکه بیشتر موقع با مصادره اموال و عدم تراز درآمدها و هزینه‌ها، بی‌توجهی به نظام آبیاری، تیول مناطق ویران و عدم وجود نهادهای نظارتی بر عملکرد تجار، سبب از هم گسیختگی وضعیت مردم بغداد از نظر اقتصادی و معیشتی می‌شد و با گذشت زمان شکاف‌ها عمیق‌تر شده بود و در درازمدت آشکارا هویدا شد. منازعات مذهبی و رقابت‌های سیاسی میان مدعیان قدرت و نیز تبعات ناشی از لشکرکشی‌ها، بهویژه به سمت شام از مدخل بین‌النهرين و بغداد از دیگر علل و زمینه‌های ویرانی و رکود تجاری شهر بغداد در عصر ایلخانی بوده است.

## منابع و مأخذ

- آیتی، عبدالالمحمد (۱۳۸۳)، تحریر تاریخ وصف، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، چ. ۳.
- ابن‌اثیر، عزالدین (۱۳۸۰)، تاریخ کامل، ترجمه سید محمدحسین روحانی و حمیدرضا آثیر، ج ۵ و ۸، تهران: اساطیر.
- ابن‌اخوه قرشی (۱۳۸۶)، آیین شهرداری در قرن هفتم هجری (معالم التربیة فی احکام الحسبة)، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات شهرداری تهران، چ. ۲.
- ابن‌العربی، غریغوریوس ابوالفرح اهرون (۱۳۶۴)، تاریخ مختصر الدول، ترجمه محمدعلی تاجپور و حشمت‌الله ریاضی، تهران: اطلاعات.

- ابن فوطی، کمال الدین عبدالرزاق بن احمد شیبانی (۱۳۸۱)، *الحوادث الجامعه*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن بطوطه، ابوعلی عبدالله محمدبن ابراهیم (۱۳۷۰)، *تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجایب الاسفار* (معروف به رحله ابن بطوطه)، ترجمه دکتر محمدعلی موحد، ج ۱، تهران: انتشارات آگاه، چ ۵.
- ابن جییر، محمدبن احمد (۱۳۷۰)، *سفرنامه ابن جییر*، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد: آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات، چ ۲.
- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد (۱۳۸۳)، *العبر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۱ و ۳، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، چ ۳.
- ابن طقطقی، محمدبن علی بن طباطبا (۱۳۶۰)، *تاریخ فخری*، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: نشر کتاب، چ ۲.
- ابن کثیر المشقی، ابی الفداء الحافظ (۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م)، *البداية والنهاية*، تحقیق احمد ملجم فؤاد السید و دیگران، بیروت: دار الكتب العلمیة.
- اشپولر و دیگران (۱۳۸۵)، *ترکان در ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.
- اشپولر، بر تولد (۱۳۷۴)، *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۵.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۷۶)، *تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری*، ج ۱، تهران: نامک.
- الأمین، حسن (۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م)، *المغول بین الوثنیه والنصرانیه والاسلام*، بیروت: دار التعارف للطبعات.
- التمیمی، م. حمیدی حسین علوان (۱۴۳۶-۱۴۱۵م)، «الحياة الاقتصادية في الدولة العربية الإسلامية في العصر العباسي»، *الدراسات التاريخية والحضارية*، العدد ۲۲، صص ۳۰۱-۳۲۵.
- الصلاعین، مروان عاطف (۲۰۰۹)، «السلع التجارية في اسوق بغداد في العصر العباسي الاول»، *دراسات العلوم الإنسانية والاجتماعية*، المجلد ۳۶ العدد ۳، صص ۶۱۸-۶۴۳.
- العبادی، احمد مختار (۱۹۷۱)، *التاريخ العباسي والفاتحی*، بیروت: دار النهضة العربية.
- القدسی، عباس فاضل رحیم (۱۹۸۸م)، «النشاط الاقتصادي للمملكة العربية الإسلامية في العصر العباسي الثالث»، *دراسات في التاريخ الاقتصادي العربي الإسلامي*، (۱/۳۲)، صص ۳۶۲-۳۸۴.
- المدوار، جمیل نخله (۱۴۲۳ق/۲۰۰۳م)، *تاریخ العراق في عصر العباسین المسمی حضارة الاسلام* فی دار السلام، قاهره: دار الافق العربيه.
- بلاذری، احمدبن بحیری (۱۳۶۴)، *فتح البلدان*، تصحیح محمد فرازان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: سروش، چ ۲.
- بیانی، شیرین (۱۳۹۱)، *مفهوم و حکومت ایلخانی در ایران*، تهران: سمت.
- -----(۱۳۶۷)، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، ج ۱ و ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- ———(۱۳۷۷)، *تیسفون و بغداد در گذر تاریخ*، تهران: دبیا.
- پتروشفسکی، آ. پ. و دیگران (۱۳۷۹)، *تاریخ ایران از آمدن ساجو قیان تا فروپاشی دولت ایلخانان*، ترجمه حسن انوشه، ج ۵، تهران: امیر کبیر، چ ۳.
- پetroshfskij و Dikran (۱۳۹۴)، *نظام اجتماعی و اقتصادی ایلخانان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستر.
- پلان کارین (۱۳۶۳)، *سفرنامه پلان کارین*، ترجمه دکتر ولی الله شادان، تهران: فرهنگسرای یساولی.
- جوادی، حسن (۱۳۷۸)، *ایران از دیده سیاحان اروپایی از قدیم ترین ایام تا اوایل عهد صفویه*، ج ۱، تهران: نشر بوته.
- جوینی، علاء الدین عطاملک (۱۳۸۲)، *تاریخ جهانگشای جوینی*، تصحیح علامه محمد قزوینی، ج ۳، تهران: پیک ایران، چ ۳.
- حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله خوافی (۱۳۷۸)، *جغرافیای حافظ ابرو*، تصحیح صادق سجادی، تهران: مرکز نشر میراث مکتب.
- حیدر، اسد (۱۳۹۲)، *امام صادق علیہ السلام و مناهب اهل سنت*، ترجمه سید محمدحسین نواب، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- خطیب بغدادی، ابی بکر احمد بن علی [بی‌تا]، *تاریخ بغداد*، ج ۱، [بی‌جا]: دار الفکر.
- خضبیک، جعفر حسین (۱۹۶۸)، *العراق فی عهد المغول الایلخانیین*، بغداد: مطبعة العائی.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۸۰)، *تاریخ حبیب السیر*، ج ۳، تهران: خیام.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۶۶)، *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، چ ۲.
- رشیدوو، بی‌ن - نز (۱۳۶۸)، *سقوط بغداد و حکمرانی مغولان در عراق*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رضوی، سید ابوالفضل (۱۳۸۸)، *شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان*، تهران: امیر کبیر.
- ساندرز، ج. ج (۱۳۸۳)، *تاریخ فتوحات مغول*، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- شُبَّر، السید حسن (۱۴۲۲ق/ ۲۰۱۱م)، *خلافاء بنی العباس و المغول آستَطُوا بغداد (من وجهه نظر جدیة)*، بیروت: المجمع العالمي لأهل البيت عليهم السلام.
- صرامی، سیف الله (۱۳۷۷)، *حسبه یک نهاد حکومتی*، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۶۳)، *تاریخ الرسل و الملوك* (تاریخ طبری)، ترجمه ابوالقاسم پائینده، ج ۱۱، ۱۳، ۱۲، تهران: اساطیر، چ ۲.
- فولنس، ریچارد (۱۳۸۵)، *دین‌های جاده ابریشم*، ترجمه ع. پاشایی، تهران: نشر ادیان.
- ———(۱۳۹۰)، *گزار معنویت از ایران زمین*، ترجمه جمعی از مترجمان، قم: نشر ادیان.
- قلقشنده، ابوالعباس احمدبن علی (۱۳۸۰)، *جغرافیای تاریخی ایران (در قرن نهم هجری)* برگرفته از صحیح الاعشی فی صناعة الانشاء، ترجمه محجوب الزویری، تهران: وزارت امور خارجه.

- لوی عباسی، محمد (۱۳۳۴)، *جهانگردی مارکوبولو*، تهران- مشهد: بنگاه مطبوعاتی گوتبرگ.
- مجھول المؤلف (۱۳۹۰)، *تاریخ شاهی قراختائیان کرمان*، تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: نشر علم، ج ۲.
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر (۱۳۷۸)، *نرخه القلوب*، تصحیح سید محمد دیر سیاقی، قزوین: طه.
- ----- (۱۳۶۴)، *تاریخ گزیده*، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوائی، تهران: سپهر، ج ۳.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۶۵)، *التنبیه و الاشراف*، ترجمه ابولقاسم پائیزده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۷۶)، *تجارب الاصم*، ترجمه علی نقی منزوی، ج ۵ و ۶، تهران: انتشارات توسعه.
- مشایخی، قدرت الله (۱۳۷۶)، حسبه یا نظرارت بر سلامت اجرای قانون، قم: انتشارات انصاریان.
- مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد (۱۳۸۵)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علی نقی منزوی، ج ۱، تهران: کوهش، ج ۲.
- مور گان، دیوید (۱۳۸۰)، *مغولها*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- میرخوند، محمدبن خاوندشاه بلخی (۱۳۷۲)، *روضۃ الصفا*، تهذیب و تلخیص دکتر عباس زرباب خوبی، تهران: انتشارات علمی.
- وصف الحضره (۱۳۸۸)، *تاریخ وصف الحضره*، تصحیح علیرضا حاجیان نژاد، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۷۳)، *جامع التواریخ*، تصحیح و تحشیه محمد روشن و مصطفی موسوی، ج ۱ و ۲، تهران: البرز.
- یاقوت حموی، یاقوتبن عبدالله (۱۳۸۰)، *معجم البیان*، ترجمه دکتر علی نقی منزوی، ج ۱ و ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب (۲۵۳۶)، *البلماز*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ----- (۱۳۶۲)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۳.

